



## ابوالفتح جمال‌الدین حسین بن علی خزاعی رازی

آبوالفتوح رازی، جمال‌الدین حسین بن علی بن مجد احمد خزاعی (ح ۴۸۰- پس از ۵۵۲ق/۱۰۸۷-۱۱۵۷م)، عالم و مفسر نامدار امامی و مؤلف تفسیر **روض الجنان و روح الجنان** می‌باشد.

### فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی
- ۲ - شناخت اجمالی
- ۳ - اساتید و تألیفات
- ۴ - شرح حال
- ۵ - دلبستگی به وعظ و خطابه
- ۶ - تسلط بر علوم معاصر
- ۷ - از دیدگاه بزرگان
- ۸ - شاگردان
- ۹ - فرزندان
- ۱۰ - وفات
- ۱۱ - روض الجنان و روح الجنان
  - ۱۱.۱ - تاریخ تألیف
  - ۱۱.۲ - انگیزه تألیف
  - ۱۱.۳ - تفاوت با تألیفات شیخ طوسی
  - ۱۱.۴ - اسلوب و روش
  - ۱۱.۵ - ویژگی‌های محتوایی
  - ۱۱.۶ - مراحل چاپ
  - ۱۱.۷ - تأثیر پذیری تفاسیر دیگر از روض الجنان
- ۱۲ - روح الاحیاء
- ۱۳ - آثار دیگر
- ۱۴ - فهرست منابع
- ۱۵ - پانویس
- ۱۶ - منبع

### معرفی اجمالی

تاریخ ولادت و وفات وی به روشنی معلوم نیست اما در اواسط قرن ششم از دنیا رفته است و منابع و مآخذی که شرح حال وی را آورده اند، از چگونگی رشد و تعلیم و تعلم وی اطلاعات شایسته ای به دست نداده اند. از مجموع گزارشهای تاریخی، چنین به دست می آید که شیخ ابوالفتوح رازی از اولاد **نافع بن بدیل خزاعی** از صحابه معروف رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است که در سده ششم هجری در ری می زیسته و پدرانیش در **نیشابور** ساکن بوده اند. شیخ منتخب الدین در فهرست، وی را با عنوانهایی چون: عالم واعظ، مفسر و صاحب تصانیف ستوده است.<sup>[۱]</sup> روض الجنان، ج ۱، ص ۳۰.

**قاضی نور الله شوشتری** (۱۰۱۹ ق) در **مجالس المؤمنین**، وی را با تعبیری چون **قدوة المفسرین**، اعلام علمای تفسیر و کلام و عظمای ادبای انام یاد کرده است. مرحوم **میرزا عبدالله افندی** می نویسد: «عالم فاضل، فقیه و مفسر کامل معروف به ابوالفتوح رازی، صاحب تفسیر بزرگ فارسی، که سرمشق مفسران است، از دانشمندان بزرگ و از شخصیت های برجسته **امامیه** است».

### شناخت اجمالی

خاندان او دانشمندان متعددی پرورده است و افندی از آنان با عنوان سلسله‌ای معروف از علمای **امامیه** که هریک تألیفات متعدد داشته‌اند، یاد کرده است.<sup>[۲]</sup> افندی اصفهانی عبدالله، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش احمد حسینی، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.

از آنجا که نسب ایشان به **نافع بن بدیل** بن ورفاء خزاعی می‌رسد، اصل **تازی** دارند.

<sup>[۳]</sup> ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۲۴۵، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.

<sup>[۴]</sup> ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱۰، ص ۲۲۵، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.

روشن نیست که اجداد رازی چه زمانی به **ایران** آمدند، ولی مهاجرت آنان احتمالاً می‌بایست در سده‌های ۱ و ۲ق/۷ و ۸م صورت گرفته باشد. ایشان نخست در **نیشابور** مسکن گزیدند و جد دوم ابوالفتوح، **ابوبکر احمد بن حسین** بن احمدبا نسبت نیشابوری خزاعی خوانده می‌شد.

<sup>[۵]</sup> منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۷، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

اقامت آنان در ری گویا در زمان همین ابوبکر احمد آغاز شد.

<sup>[۶]</sup> منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۷، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

وی شاگرد **سید مرتضی**، **شیخ رضی** و **شیخ طوسی** بود از آثارش **الامالی** در ۴ مجلد، عیون الاحادیث، الروضه در فقه، السنن، المفتاح در اصول و المناسک را برشمرده‌اند.

[۷] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۷-۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

برادر این ابوبکر نیز در شمار عالمان بود و محسن نام داشت.

**منتخب‌الدین** در احوال وی گفته که واعظ بود و از آثارش الامالی، السیر، اعجاز القرآن و کتاب بیان من کنت مولاه را برشمرده است.

[۸] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۵۶، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

عموی پدر ابوالفتوح، ابومجد عبدالرحمن بن احمد، مفید نیشابوری از محدثان بلندپایه امامیه در عصر خود بوده و نزد **اهل سنت** نیز فردی شناخته شده است. وی از شاگردان سیدمرتضی، شیخ طوسی، **سلار دیلمی**، **ابن برج** و **کراچی** - از علما و دانشمندان نامدار امامیه - بوده و در **حدیث** تألیفاتی معتبر چون سفینه النجاه، العلویات، الرضویات، الامالی و عیون الاخبار داشته است

[۹] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۰۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

[۱۰] قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۱۸-۶۲۰، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).

نیای ابوالفتوح، **ابوسعید مجد بن احمد** که منتخب‌الدین از وی با عنوان الشیخ المفید نام برده است.

محدثی چیره‌دست بوده و تألیفاتی داشته است، از این قرار: الروضه الزهراء فی مناقب فاطمه الزهراء (ع) الفرق بین المقامین و تشبیه علی (ع) بذی القرنین، الاربعین عن الاربعین فی فضایل امیرالمؤمنین (ع)، منی الطالب فی ایمان ابی‌طالب، المولی، التفهیم فی بیان التقسیم، الرساله الواضحه فی بطلان دعوی الناصبه و ما لا ید من معرفته،

[۱۱] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۳، ص ۳۷، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.

[۱۲] ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۱۶، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م.

[۱۳] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۵۷، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

پدر ابوالفتوح نیز، اگرچه در الفهرست منتخب‌الدین به‌طور مستقل از او نام برده نشده است، لیکن از آنجا که ابوالفتوح از وی بهره علمی برده بوده، می‌توان گفت که از زمره علما و دانشمندان بوده است

[۱۴] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

[۱۵] جم، منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۱، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

[۱۶] قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۲۲، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).

## شرح حال

از زندگی ابوالفتوح دانسته‌های اندکی برجاست.

او احتمالاً در ری متولد شد و در همان‌جا بالید.

از آنجا که محضر ابوعلی فرزند **شیخ طوسی** (زنده در ۵۱۱) را به احتمال قوی در **نجف** درک کرده بوده است،

[۱۷] ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۱۱-۱۲، قم، علمیه.

برمی‌آید که در حدود سال ۱۰۸۷/۴۳۸۰ م زاده شده باشد.

این نظر آنگاه قوت می‌گیرد که بدانیم وی شاگرد عموی پدرش، مفید **ابومجد عبدالرحمن بن احمد** که نباید حداکثر سال ۵۰۰ق را درک کرده باشد، نیز بوده است.

[۱۸] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۰۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

[۱۹] شعرانی، ابوالحسن، مقدمه، ج ۱، ص ۶-۷، بر روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).

از دیگر مشایخ وی باید از **شیخ مفید عبدالجبار بن عبدالله بن علی مقری رازی**،

[۲۰] ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۱۱-۱۲، قم، علمیه.

**عمادالدین ابومجدحسن بن مجد** قاضی استرآبادی

[۲۱] ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۴۷، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰ق/۱۹۶۱م.

و **ابوالحسن علی بن الناصرین الرضا**

[۲۲] رافعی عبدالکریم، التدوین فی اخبار قزوین، ج ۲، ص ۲۹۳، حیدرآباد دکن، ۱۹۸۵م.

نام برد.

همچنین این‌که ابوالفتوح در جایی از کتاب خود

[۲۳] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۹، ص ۲۹۱، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.

**زمخشری** را «شیخ ما» می‌خواند، به نظر قزوینی

[۲۴] قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۲۳، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).

گویای آن است که رازی محضوری را دریافته بوده است.

## دلیستگی به وعظ و خطابه

چنان پیداست که ابوالفتوح بیش‌تر به **وعظ** و خطابه می‌پرداخته و بدان تعلق خاطر داشته است،

[۲۵] منتخب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

چندانکه این دلیستگی تأثیر آشکاری بر سبک تفسیری او نهاده است.

بنا به گزارشی که ابوالفتوح خود در روح‌الاحباب آورده و از طریق افندی

[۲۶] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۶۱، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.

به دست ما رسیده است مجالس وعظ و، آنگاه که جوان بوده در خان‌علان ری - احتمالاً منسوب به وی رشک می‌بردند و به دلیل سعایت حاسدان نزد والی شهر مدتی از وعظ محروم گردید.

## تسلط بر علوم معاصر

ابوالفتوح در برخی از **علوم** متداول زمان خود استاد بود و تفسیر او بیانگر تبحر وی در **نحو**، **قرانات**، **حدیث**، **فقه**، **اصول فقه** و **تاریخ** است.

## از دیدگاه بزرگان

منتخب‌الدین از وی با تعبیر «الامام السعید ترجمان کلام‌الله تعالی» یاد کرده

[۲۷] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۸، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.

و گفته که او عالم، واعظ و مفسری **دین** بوده است.

[۲۸] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ ق.

کیزری نیز او را با عنوان «الشیخ الامام» خوانده است.

[۲۹] کیزری، مجد، حدائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۳۳۳، دهلی، ۱۴۰۴ ق.

همچنین بر روی نسخه‌ای از کتاب تفسیرش او را چنین خوانده‌اند: «الشیخ الاجل الواحد الامام العالم الرئيس جمال الملّه والدين قطب‌الاسلام والمسلمين

شرف الائمة فخرالعلماء، مفتی الطائفة سلطان المفسرين ترجمان کلام‌الله المبين». [۳۰] یاحقی، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح، ج ۱، ص ۶۰، مقدمه بر روض‌الجنان و روح الجنان، مشهد، ۱۳۷۱ ش.

## شاگردان

از شاگردان برجسته ابوالفتوح باید از **منتجب‌الدین رازی** و **ابن شهرآشوب** نام برد.

منتجب‌الدین دو اثر استادش با عنوان‌های روض‌الجنان و روح‌الاحیاء را نزد خود وی خواند

[۳۱] منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۴۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ ق.

و ابن شهرآشوب به کسب اجازه روایت تفسیر او، روض الجنان، نایل آمد

[۳۲] ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۱۲، قم، علمیه.

[۳۳] ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۴۱، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق/۱۹۶۱ م.

از میان دیگر شاگردان و روایان او می‌توان اینان را نام برد: **ابوطالب نصیرالدین عبدالله بن حمزه طوسی**،

[۳۴] کیزری، مجد، حدائق الحقائق، ج ۲، ص ۱۳۳۳، دهلی، ۱۴۰۴ ق.

**صفی‌الدین ابومجد حسن بن ابی بکر بن سیار الحیروی** (؟)

[۳۵] آقابزرگ تهرانی طبقات اعلام الشیعه قرن ۶، ص ۷۹، به کوشش علینقی منزوی بیروت، ۱۳۹۲ ق/۱۹۷۳ م.

، **عمادالدین ابوالفرج علی فرزند قطب‌الدین سعید بن هیه‌الله راوندی**

[۳۶] ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۲۵، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق/۱۹۶۱ م.

و **شریف شرفشاه بن مجد بن حسین بن زبارة افسسی**.

[۳۷] ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۴۷، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق/۱۹۶۱ م.

## فرزندان

از فرزندان ابوالفتوح دو تن در شمار عالمان بودند: یکی **صدرالدین علی** که منتجب‌الدین

[۳۸] منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۲۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ ق.

از وی با تعبیر «فقیه دین» یاد کرده و دیگری **ناج‌الدین ابوجعفر مجد** که همو

[۳۹] منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۷۲، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ ق.

از او با عنوان فاضل ورع یاد کرده است.

ناج‌الدین خود نزد پدر شاگردی کرده است.

[۴۰] آقابزرگ تهرانی طبقات اعلام الشیعه قرن ۶، ص ۷۹، به کوشش علینقی منزوی بیروت، ۱۳۹۲ ق/۱۹۷۳ م.

## وفات

سال ۵۵۲ هجری آخرین تاریخی است که درباره زندگی ابوالفتوح از آن آگاهی داریم و آن از متن اجازه‌ای به دست می‌آید که برای روایت **روض‌الجنان** به شاگرد خود داده بوده است.

[۴۱] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۷، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م.

بنابراین، گزارش **آزادانی اصفهانی**

[۴۲] آزادانی اصفهانی صادق، شاهد صادق، ج ۱، ص ۴۴۶، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز.

درباره تاریخ مرگ ابوالفتوح در ۵۴۰ هجری نمی‌تواند درست باشد.

**محدث ارموی** که این مطلب را نقل کرده

[۴۳] محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۶۱، تهران، ۱۳۵۸ ش.

با توجه به اجازه یاد شده و شواهدی دیگر، این تاریخ را تصحیفی از ۵۵۴ هجری می‌داند.

با این حال از گزارش **ابن حمزه** مؤلف ایجاز المطالب که در زمان مرگ ابوالفتوح در ری بوده و سپس به مکه رفته بوده است، چنین برمی‌آید که شیخ در سال‌های

نزدیک به ۶۰۰ ق وفات یافته بوده است؛ زیرا ابن حمزه در بازگشت از مکه، به **اصفهان** رفته و این مسافرت پس از مرگ ابوالفتوح عجلی (ه م) شافعی (د

۶۰۰ ق) بوده است

[۴۴] حدیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی تهران علمیه اسلامی، ج ۱، ص ۶۰۴.

ولی این گزارش (به این صورت مخصوص) نمی‌تواند از صحت برخوردار باشد، زیرا ابوالفتوح رازی به‌طور قطع در زمان تألیف کتاب نقض (میان سال‌های

۵۵۶-۵۶۶ ق) در قید حیات نبوده است.

[۴۵] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۶۳، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

[۴۶] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۸۰، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

ابوالفتوح را به وصیت خودش در جوار مرقد **امامزاده عبدالعظیم** در **ری** مدفون کردند

[۴۷] حدیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی تهران علمیه اسلامی، ج ۱، ص ۶۰۳.

[۴۸] حمدالله مستوفی نزهةالقلوب، ج ۱، ص ۵۹، به کوشش مجد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶ ش.

و این‌که **شوشتری**

[۴۹] شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۹۰، تهران، ۱۳۶۵ ش.

مدفن او را در اصفهان دانسته، ناشی از خلطی است با ابوالفتوح عجلی که در میان مردم اصفهان دست کم از سده ۱۰ ق/۱۶ سابقه داشته است.

[۵۰] حدیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی، ج ۱، ص ۶۰۴، تهران علمیه اسلامی،

## روض‌الجنان و روح‌الجنان

معروف به تفسیر ابوالفتوح، تفسیر بزرگی از قرآن به **زبان فارسی** است.

عنوان آن در معالم العلماء **ابن شهرآشوب**

[۵۱] ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۴۷، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱م. به صورت روح الجنان و روح الجنان ضبط شده است، اما در مناقب همو [۵۲] ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۴۷، قم، علمیه.

و نیز الفهرست منتجب‌الدین

[۵۳] منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.

به همان صورت روح الجنان... آمده است، حال آن‌که در مقدمه کتاب اساساً به نام آن اشاره‌ای نشده است.

## ← تاریخ تألیف

تاریخ تألیف به روشنی دانسته نیست.

**مجد قزوینی** طی بحثی مفصل، آن را میان سال‌های ۵۱۰-۵۵۶ در نقد نظر قزوینی متن اجازه‌ای را مورد استناد قرار می‌دهد که ابوالفتوح در **ذیقعه** ۵۴۷ برای روایت تفسیر خود به یکی از شاگردانش داده بوده است.

به نظر **نفسی** تألیف تفسیر در همان سال یا یکی دو سال پیش از آن به اتمام رسیده بوده است.

در عین حال براساس جدیدترین پژوهش‌ها، تألیف حداقل نیمی از بخش نخستین کتاب حدود ۱۴ سال پیش از این تاریخ پایان یافته بوده است.

زیرا به استناد خاتمه یکی از نسخه‌های جلد ۱۱ این تفسیر ۲۰ جلدی کتابت نسخه اساس در **صفر** ۵۳۳ انجام گرفته بوده است.

[۵۴] یاحقی، مجدجعفر و مجد مهدی ناصح، ج ۱، ص ۶۰-۶۱، مقدمه بر روح الجنان و روح الجنان، مشهد، ۱۳۷۱ش.

به هر تقدیر اثر ابوالفتوح با اقبالی شایان روبه‌رو شد و رواجی گسترده یافت.

چنانکه در زمان تألیف نقض به گفته قزوینی رازی: نسخه‌ای بی مروبی عدد است آن را در طوایف **اسلام** و ظاهر و باهر در بلاد عالم و نیز ائمه و علمای همه طوایف طالب و راغبند آن را.

[۵۵] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۱۲، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

[۵۶] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۸۰، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

## ← انگیزه تألیف

ابوالفتوح در مقدمه کتاب

[۵۷] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۲-۳، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.

پس از ذکر شروط تفسیر و مفسر قرآن چنین می‌گوید «پس چون جماعتی از دوستان و بزرگان از امانت و اهل **علم** و تدبیر اقتراح کردند که در اینباب جمعی باید کردی چه اصحاب ما را تفسیری نیست مشتمل بر این انواع واجب دیدم اجابت کردن ایشان و وعده دادن به دو تفسیر: یکی به پارسی و یکی به تازی جز که

پارسی مقدم شد بر تازی برای آن‌که طالبان این بیش‌تر بودند و فایده هر کسی بدو عام‌تر بود».

در اینجا ذکر این نکته ضروری است که منابع موجود از تألیف تفسیری به عربی از ابوالفتوح گزارشی به دست نمی‌دهند و دور می‌نمایند که وی تفسیری نیز به عربی نوشته باشد.

## ← تفاوت با تألیفات شیخ طوسی

با این همه آیا به واقع ابوالفتوح به تألیف تفسیری مشتمل بر آنچه خود وی در همین مقدمه بایسته هر تفسیری دانسته توفیق یافته است یا نه مطلبی است که نیاز به تحقیق بیشتر دارد.

مسلم باید داشت که تفسیر وی از دیدگاه علمی به هیچ روی پرفایده‌تر از **التبیان شیخ طوسی** نیست و نمی‌توان ادعای وی را مبنی بر این‌که تفسیرش از نظر جامعیت در میان امامیه بی‌سابقه بوده است پذیرفت.

گفتنی است که ابوالفتوح در تفسیر خود از **التبیان شیخ طوسی** بهره برده و ظاهراً از کار عالم امامی معاصرش که در همان ایام به تألیف تفسیری عربی اشتغال داشته یعنی ابوعلی فضل بن حسن طبرسی صاحب مجمع البیان بی‌اطلاع بوده است.

[۵۸] یاحقی، مجدجعفر و مجد مهدی ناصح، ج ۱، ص ۶۳، مقدمه بر روح الجنان و روح الجنان، مشهد، ۱۳۷۱ش.

درواقع باید گفت که امامیه تا پیش از عصر سیدرضی شیخ طوسی بیش‌تر به تألیف تفاسیر روایی علاقه‌مند بودند.

تا تفاسیری مشتمل بر بحث و نظر درباره **آیات قرآن** و درواقع **سیدرضی** در حقائق التأویل و نیز شیخ طوسی در **التبیان** به صورت جدیدی به تفسیر قرآن روی آوردند، به‌ویژه طوسی که درواقع با روش خود، مباحث ادبی و نقلی را در کنار مطالب نظری و عقلی به رشته تحریر درآورد و از آن در خدمت تفسیر قرآن بهره برد.

پس از این دوره تفسیرهای ابوالفتوح و طبرسی در دنیای تفسیر طوسی تألیف شد، ولی یک تفاوت اساسی میان این دو - که متعلق به یک دوره‌اند - با تفسیر طوسی وجود دارد و آن این‌که ابوالفتوح و طبرسی در تفسیرهایشان بیش از حد معمول - که حتی در **التبیان طوسی** نیز قابل ملاحظه است - تحت تأثیر تفاسیر **اهل سنت** واقع شده‌اند به‌ویژه ابوالفتوح که می‌توان به یک معنی تفسیر وی را منعکس کننده آراء و نظریات علمای اهل سنت در باب تفسیر قرآن دانست.

این مسأله تا بدانجاست که او بیش از آن‌که اقوال و نظرهای **امامان شیعه** (ع) را در باب تفسیر **علی بن ابراهیم قمی** و **تفسیر عیاشی** نقل شده است مورد توجه و استفاده قرار دهد.

گفته‌های مفسرانی چون قتاده سدی و کسانی چون آن دو را نقل کرده توضیح می‌دهد.

افزون بر این درذیل آیات مشتمل بر **احکام فقهی** به نقل فتاوی فقیهان **اهل سنت** اصرار تمام دارد؛ با این همه وی جا به‌جا اختلافات فقهی امامیه با آنان را یاد کرده است و این درحالی است که در مباحث کلامی نقطه نظرهای امامیه را مورد توجه قرار داده و از آن دفاع کرده است و در بسیاری مواقع در ذیل برخی آیات به مناسبت به ذکر **فضایل اهل بیت** (ع) خصوصاً **حضرت علی** (ع) پرداخته است.

گفتنی است که مکدموت تفسیر ابوالفتوح را از لحاظ بافت و محتوا دقیقاً شبیه **التبیان شیخ طوسی** می‌داند که پذیرفتنی نیست.

درواقع با آن‌که ابوالفتوح بی‌گمان به **التبیان** نظر داشته است تفسیر او تنها در کلیات می‌تواند با تفسیر شیخ طوسی مشابهت داشته باشد.

بنابراین سرچشمه تأثیرپذیری‌های ابوالفتوح را باید در میان دیگر تفاسیر جست‌وجو کرد.

## ← اسلوب و روش

درحقیقت آنچه درباره اسلوب تفسیر ابوالفتوح کمتر مورد توجه قرار گرفته پیروی آن از **سنت** تفسیرنویسی فارسی است برخلاف نظر حقوقی

[۵۹] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۱۰، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

که دلیلی بر تأثیرپذیری ابوالفتوح از **تفسیر طبری** و ترجمه آن نمی‌یابد، اینک با یافته‌های یاحقی و ناصح ویراستاران تازه‌ترین دوره چاپ تفسیر ابوالفتوح مسلم شده است که طبری یکی از منابع عمده و طرف توجه وی بوده است.

با آن‌که ترجمه ابوالفتوح از آیات قرآنی، استقلال کافی دارد، اما در موارد متعدد با ترجمه آیات در ترجمه تفسیر طبری همانندی یا همخوانی نشان می‌دهد

[۶۰] ناصح، مجد مهدی، ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتوح رازی، ص ۳۰۳-۳۰۸، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ش.

[۶۱] ناصح، مجد مهدی، ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتوح رازی، ص ۳۱۶، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ش.

مشترکات در زمینه شواهد شعری نیز به حدی است که نمی‌توان ادعا کرد ابوالفتوح عنایت خاصی از این جهت به **طبری** نداشته است.

[۶۲] یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۲۲۵، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ش.

در مباحث لغوی و نحوی نیز این عنایت دیده می‌شود.

[۶۳] یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۹، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ ش.

حتی در مسائل فقهی با آن که میان ابوالفتوح و طبری اختلاف مذهب وجود دارد، ابوالفتوح به نقل نظر طبری و نقد آن توجه خاصی نشان می‌دهد.  
[۶۴] یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۱، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ ش.

براساس شمارش یاحقی

[۶۵] یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۲، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ ش.

و برخلاف نظری که تاکنون وجود داشته است، ابوالفتوح نه ۵ بار، بلکه افزون بر ۵۰ بار به نام طبری اشاره کرده است و این غیر از استفاده‌های موردی و غیرمستقیم او از تفسیر طبری است.

از دیدگاهی دیگر، باید گفت تفسیر ابوالفتوح ادامه دهنده سنت تفسیرهای قصصی یا قصه‌گوست که در شیوه تفسیرنویسی فارسی نمونه‌هایی ممتاز چون ترجمه تفسیر طبری و تفسیر سوراآبادی دارد.

بنابراین طبیعی است که ابوالفتوح در تبعیت از این سنت پارسی بر تفاسیر فارسی بیش از خود توجه داشته باشد.

توجه او به کتاب‌های قصص غیرفارسی همچون عرائس **تعلی** نیشابوری و تفسیر او نیز که صیغه قصه‌گویی دارد، مؤید علاقه او به ذکر قصص است همچنین گذشته از تأثیر سنت قصه‌گویی در تفسیرنویسی فارسی، نباید فراموش کرد که ابوالفتوح از آنجا که واعظی برجسته بود، نیز گرایشی طبیعی به ذکر قصص داشت که در وعظ مقامی ویژه دارد.

حقوقی بخشی از قصص مذکور در تفسیر ابوالفتوح را گرد آورده و در مجلدی جداگانه منتشر کرده است.

## ← ویژگی‌های محتوایی

**روض الجنان** اصولاً تفسیری است با سبک واعظانه؛ این خصلت و نیز جامعیتی که ابوالفتوح در کار خود به آن توجه داشته،

[۶۶] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۲۰۱، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ ق.

اصلی‌ترین ویژگی‌های محتوایی تفسیر وی را می‌سازند.

ابوالفتوح بخش بزرگی از کتاب را به بیان **احکام فقهی** مورد نیاز مخاطبان خود اختصاص داده است.

[۶۷] یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۹، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ ش.

[۶۸] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۵۰، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

این نیز که ابوالفتوح کمتر به مباحث کلامی پرداخته و چون در آن وارد شده به مباحثی چون جبر و اختیار قضا و قدر **گناهان**، **شفاعت**، **ایمان و کفر**، **ثواب و عقاب**، سؤال و جواب در **گور** توجه کرده،

[۶۹] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

احتمالاً برای رعایت حال و نیاز همین مخاطبان عامه و فارسی‌خوان بوده است.

خصلت شیعی تفسیر ابوالفتوح و شهرت آن باعث می‌شد که برخی مخالفان **شیعه** مطالب آن را در جهت مقاصد خود به نحو نادرستی گزارش کنند، چنانکه صاحب فضاخ الروافضی به تفسیر او مطالبی نسبت داده که **قزوینی رازی**

[۷۰] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۲، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

[۷۱] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۰۰، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

به پاسخ‌گویی و دفاع از آن پرداخته است **انگونه که افندی**

[۷۲] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۱ م.

از تفسیر ابوالفتوح استنباط کرده وی به تصوف و کلام صوفیان نیز گرایش داشته است چنان‌که شیوه واعظانه نیز در تفسیرات او مشاهده می‌شود. درواقع مؤلف گاهی در تفسیر آیات به مشرب عرفا و صوفیه که آنان را اهل معانی و اهل اشارت می‌خواند،

[۷۳] ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ ق.

رفتار کرده و مباحثی را درباره اخلاص توکل، ذکر، صبر، فقر و صدق به مذاق آنان آورده است.

[۷۴] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۹، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

از لحاظ سبک، تفسیر ابوالفتوح کاملاً به کتب سده ۱۱/ق/۱۱ م شباهت دارد

[۷۵] بهار مجدتقی سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۲. تهران ۱۳۵۹ ش.

و نثر آن به‌ویژه در هنگام نقل قصص از طراز نثر مرسل شمرده می‌شود،

[۷۶] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۹، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

تنها شیوه‌ای که ویژه تفسیر می‌توان محسوب کرد مفرد آوردن فعل برای جمع مخاطب است که در برخی کتاب‌های آن دوره گاه به گاه وجود دارد ولی در تفسیر ابوالفتوح صفحه‌ای از آن خالی نیست

[۷۷] بهار مجدتقی سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۲. تهران ۱۳۵۹ ش.

[۷۸] قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۴۶، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه م، ابوالفتوح).

، دیگر کاربرد صورتی از فعل جمع اول شخص همچون کردمانی

[۷۹] قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۴۹، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه م، ابوالفتوح).

است که سابقه آن را هم می‌توان در کتب سده ۱۵ ق باز یافت

[۸۰] خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۵۸، تهران ۱۳۵۶ ش.

اما این را که او از قیود و ظروف عربی مانند سواء، عند، انما و اما به جای معادل فارسی آنها استفاده می‌کند

[۸۱] قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۴۸-۶۴۹، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه م، ابوالفتوح).

[۸۲] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۷۴-۸۰، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

باید ناشی از سبک واعظانه کلام او دانست.

کاربرد ساخت‌های عامیانه واژگانی همچون سب (سم) چفسنان (چسبان)، آتش تاغ (داغ)، بیران (ویران)، دختره (دخترک)، کالزار (کارزار) و...

[۸۳] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۳۳، ۸۶، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

ظاهراً گویای شفاهی بود ناصلاً برخی از بخش‌های تفسیر در قالب مجلس گویی است از خصوصیات دیگر نثر و بیان ابوالفتوح کاربرد مکرر افعالی است با افزونه «ها» در آغاز، مثل‌ها زدن، ها شدن، ها گرفتن که جزو ویژگی‌های لهجای ری، سمنان، دامغان و طبرستان بوده و هنوز در برخی از این نواحی باقی‌مانده است

[۸۴] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۶۸، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

و مؤید دیگری است بر آمیختگی زبان شیخ با زبان مردم و کاربردهای شفاهی ایشان، با آن‌که تنه اصلی تفسیر را باید برگرفته از مجالس و امالی مؤلف دانست، اما در جای جای آن آثار باز نویسی دیده می‌شود و در چنین مواردی است که گاه زبان ابوالفتوح به صنایع ادبی، البته در حدی طبیعی و غیرمتمکلف و بیش‌تر در حوزه سجع و جناس آراسته می‌شود.

[۸۵] حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۴، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.

## ← مراحل چاپ

نخستین با **ملک‌الشعراى صبوری** به یاری ملاداوود ملاباشی و به فرمان شاهزاده **مجدتقی میرزا** رکن‌الدوله به تصحیح تفسیر ابوالفتوح مشغول شد.

اما آن را ادامه نداد و دنباله کار را ملاداوود گرفت

[۸۶] بهار مجدتقی سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۱-۳۹۲. تهران ۱۳۵۹ ش.

محدث تعلیقات، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۴) و به این ترتیب دو مجلد از تفسیر در عهد **مظفرالدین شاه** در ۱۳۳۳ ق منتشر شد.



چاپ دنباله آن سالها به تعویق افتاد تا آنکه به دستور علی‌اصغر حکمت و با همت نصرالله تقوی با انتشار ۳ جلد دیگر آن در سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵، ش چاپ آن با مؤخره مجد قزوینی به پایان رسید. همین چاپ یک‌بار دیگر با تصحیح و حواشی میرزا ابوالحسن شعرانی در ۱۳۸۲ ق انتشار یافته است. وجه مشترک این چاپ‌ها آن است که از روی نسخه‌ای واحد صورت گرفته و تقریباً با هیچ نسخه‌ای که بنا به سنت و تقسیم‌بندی خود ابوالفتوح به ۲۰ جلد تقسیم شده است به کوشش یا حقی و ناصح و با در نظر گرفتن شیوه‌های علمی تصحیح از ۱۳۶۵ ش در مشهد آغاز شده و تاکنون چند جلد آن انتشار یافته است. در این چاپ متأسفانه مصححان ضبط و قرائت آیات قرآنی را از صورت اصلی خود در تفسیر تغییر داده و بر قرائت حفص از عاصم انطباق داده‌اند که ناگزیر تفاوت‌هایی را بین معانی آیات با متن پیش آورده است.

[۸۷] محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۷۰، تهران، ۱۳۵۸ ش.

## ← تأثیر پذیری تفاسیر دیگر از روض الجنان

در باب تأثیر روض‌الجنان بر تفاسیر بعدی باید گفت تأثیر آن بر جلاء الادهان یا تفسیر گازر آشکار است. چندان که تفسیر اخیر را باید در واقع خلاصه روض‌الجنان دانست،

[۸۸] محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر تفسیر گازر، «یا»، تهران، ۱۳۳۷ ش.

اما صاحب **جلاء‌الادهان** هیچ‌جا به روض‌الجنان و این موضوع که تفسیر او درحقیقت چکیده کار ابوالفتوح است اشاره‌ای نمی‌کند.

**ملا فتح‌الله کاشانی** نیز اساس تفسیر خود موسوم به منهج الصادقین را بر تفسیر گازر نهاد و به این ترتیب روض‌الجنان یک بار دیگر در قالبی تازه ارائه شد

[۸۹] یا حقی، مجدجعفر طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۶۲-۶۴، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ ش.

گرچه به نظر می‌رسد کاشانی اصولاً تفسیر گازر و روض‌الجنان را یکی می‌پنداشته است.

[۹۰] محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر تفسیر گازر، «لح»، تهران، ۱۳۳۷ ش.

## روح الاحباب

ابوالفتوح تألیف دیگری نیز با عنوان روح الاحباب و روح الالباب داشته که شرح شهاب الاخبار قاضی قضاعی بوده است

[۹۱] قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۴۱، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.

[۹۲] منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ ق.

نسخه‌ای از شرح شهاب الاخبار در دانشگاه تهران موجود است که به گفته دانش پژوه

[۹۳] مرکزی خطی، ج ۳ (۳)، ص ۱۳۳۶.

گویا از ابوالفتوح است ولی محدث ارموی که نسخه دانشگاه را با نسخه‌های دیگر مقابله و با عنوان کلمات قصار **بیغمبر خاتم** (ص) ... (تهران، ۱۳۴۲ ش) چاپ کرد، معتقد است که چون نسخه مذکور شرحی است که در ۶۹۰ ق در دست تألیف بوده است به‌طور قطع نمی‌تواند همان شرح شهاب ابوالفتوح بوده باشد.

[۹۴] محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر کلمات قصار «بط»، (ه م).

گذشته از آن حکایت خان علان که در ریاض العلماء از شرح شهاب نقل شده در این نسخه نیامده

[۹۵] مرکزی خطی، ج ۳ (۳)، ص ۱۳۳۶.

[۹۶] کلمات قصار بیغمبر خاتم (ص)، شرح فارسی شهاب‌الخبار قاضی قضاعی، ج ۱، ص ۲۶۸، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران ۱۳۴۲ ش.

و این مطلب مؤید نادرستی انتساب آن به ابوالفتوح است.

[۹۷] محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۷۰، تهران، ۱۳۵۸ ش.

**مجلسی** شهاب الاخبار و شرح آن از ابوالفتوح را در شمار منابع **بحارالانوار** یاد کرده است

[۹۸] مجلسی، **مجدی‌الانوار**، ج ۱، ص ۲۲، بیروت، ۱۴۰۲ ق/۱۹۸۳ م.

## آثار دیگر

از دو کتاب دیگر نیز در شمار آثار وی یاد شده است که در صحت انتساب آن‌ها به ابوالفتوح تردید وجود دارد: ۱. «مکالمات حسنیه» که حکایت کنیزی دانشمند

است حسنیه نام که در عهد هارون‌الرشید با علمای اهل تسنن در حضور خلیفه مناظره می‌کند و بر آنان چیره می‌شود.

ظاهراً متن اصلی آن به عربی بوده و ابراهیم استرابادی،

(۱) و در آن اصل حکایت را از زبان ابوالفتوح رازی نقل می‌کند.

دانش پژوه به انکاس نقد درونی و تاریخی اثر، آن را بر ساخته دوره صفوی می‌داند.

[۹۹] دانش‌پژوه، **مجدتقی** فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، ج ۱، ص ۲۱۰، تهران، ۱۳۳۹ ش.

انتساب «مکالمات» به ابوالفتوح از دیرباز مورد تردید بوده است

[۱۰۰] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۹، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م.

و اصولاً با توجه به آنچه از اوضاع ری و منش و روحیه خود ابوالفتوح می‌دانیم تألیف چنین اثری را نمی‌توان از او دانست.

بخش‌هایی از این اثر را سرچان ملکم ترجمه کرده است.

[۱۰۱] ملکم، **جان تاریخ ایران**، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۲، ترجمه حیرت، بمبئی، ۱۸۸۶ م.

«مکالمات» در سالهای یوحنا که از زبان فردی نصرانی به نام یوحنا اسرائیلی مصری است که پس از بررسی ۴ مذهب به **تشیع** می‌گردد.

[۱۰۲] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م.

از آن تحریرهای مختلف و نسخه‌های متعدد در دست است

[۱۰۳] منزوی خطی، ج ۲ (۱)، ص ۹۵۰.

و علاوه بر نسخه‌های فارسی، نسخه‌های عربی نیز دارد

[۱۰۴] آستان قدس، فهرست، ج ۴، ص ۱۵۴.

## افندی

[۱۰۵] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م.

در نسبت تألیف نسخه فارسی یوحنا به ابوالفتوح تردید کرده است نسخه عربی آن همراه الکشکول بحرانی

[۱۰۶] افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۲۷-۷۰، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۰۱ ق/۱۹۸۱ م.

چاپ شده است.

## فهرست منابع

(۱) آزادانی اصفهانی صادق، شاهد صادق، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز.

- (۲) آقابزرگ تهرانی طبقات اعلام الشیعه قرن ۶ به کوشش علینقی منزوی بیروت، ۱۳۹۲/ق/۱۹۷۲م.
- (۳) ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق/۱۹۶۱م.
- (۴) ابن شهرآشوب مجد، مناقب، قم، علمیه..
- (۵) ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
- (۶) استرآبادی ابراهیم «مکالمات حسنیه»، همراه حلیه‌المتقین مجلسی تهران ۱۳۶۲ش.
- (۷) افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۱م.
- (۸) بحرانی یوسف، الکشکول، بیروت، ۱۴۰۶/ق/۱۹۸۵م.
- (۹) بهار مجدتقی سبک‌شناسی، تهران ۱۳۵۹ ش.
- (۱۰) حقیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی تهران علمیه اسلامی.
- (۱۱) حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
- (۱۲) حمدالله مستوفی نزه‌القلوب، به کوشش مجد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶ش.
- (۱۳) خالری، پرویز، تاریخ زبان فارسی تهران ۱۳۵۶ش.
- (۱۴) دانش‌پژوه، مجدتقی فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، تهران، ۱۳۳۹ش.
- (۱۵) رافعی عبدالکریم، التذوین فی اخبار قزوین حیدرآباد دکن، ۱۹۸۵م.
- (۱۶) شعرانی، ابوالحسن، مقدمه، بر روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).
- (۱۷) صاحب معالم، حسن «اجازه‌الکبیره»، ضمن ج ۱۰۶ بحارالانوار (نک: ه، م، مجلسی).
- (۱۸) قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).
- (۱۹) قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸ ش.
- (۲۰) کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص)، شرح فارسی شهاب‌الآخبار قاضی قضای به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران ۱۳۴۲ ش.
- (۲۱) کیدری، مجد، حدائق الحقائق، دهلی، ۱۴۰۴ق.
- (۲۲) مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۲/ق/۱۹۸۳م.
- (۲۳) محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، تهران، ۱۳۵۸ش.
- (۲۴) محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر تفسیر گازر، تهران، ۱۳۳۷ش.
- (۲۵) محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر کلمات قصار (ه، م).
- (۲۶) مرکزی خطی.
- (۲۷) ملکم، جان تاریخ ایران، ترجمه حیرت، بمبئی، ۱۸۸۶م.
- (۲۸) منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
- (۲۹) منزوی خطی.
- (۳۰) نفیسی، سعید، ملاحظات چند درباره تفسیر مستدرک الوسائل تهران، ۱۳۸۲ق.
- (۳۱) یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ش.
- (۳۲) یاحقی، مجدجعفر و مجد مهدی ناصح، مقدمه بر روح‌الجنان و روح الجنان، مشهد، ۱۳۷۱ش.
- (۳۳) آستان قدس، فهرست.
- (۳۴) شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، تهران، ۱۳۶۵ش.
- (۳۵) ناصح، مجد مهدی، ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتوح رازی، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹ش.

## پانویس

۱. ↑ روح الجنان، ج ۱، ص ۳۰.
۲. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش احمد حسینی، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۱م.
۳. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۲۴۵، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
۴. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱۰، ص ۲۲۵، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
۵. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۷، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۶. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۷، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۷. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۷-۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۸. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۱۵۶، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۹. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۱۰۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۱۰. ↑ قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۱۸-۶۲۰، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).
۱۱. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۲، ص ۳۷، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
۱۲. ↑ ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۱۶، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق/۱۹۶۱م.
۱۳. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۱۵۷، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۱۴. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۱۵. ↑ جم، منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۱۱، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۱۶. ↑ قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۲۲، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).
۱۷. ↑ ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۱۱-۱۲، قم، علمیه..
۱۸. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۱۰۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۱۹. ↑ شعرانی، ابوالحسن، مقدمه، ج ۱، ص ۶-۷، بر روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).
۲۰. ↑ ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۱۱-۱۲، قم، علمیه..
۲۱. ↑ ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۴۷، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق/۱۹۶۱م.
۲۲. ↑ رافعی عبدالکریم، التذوین فی اخبار قزوین، ج ۲، ص ۲۹۳، حیدرآباد دکن، ۱۹۸۵م.
۲۳. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۹، ص ۲۹۱، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
۲۴. ↑ قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۲۳، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه، م، ابوالفتوح).
۲۵. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۲۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۲۶. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۶۱، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱/ق/۱۹۸۱م.
۲۷. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۸، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
۲۸. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵ق.
۲۹. ↑ کیدری، مجد، حدائق الحقائق، ج ۲، ص ۱۲۳۲، دهلی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. ↑ یاحقی، مجدجعفر و مجد مهدی ناصح، ج ۱، ص ۶۰، مقدمه بر روح‌الجنان و روح الجنان، مشهد، ۱۳۷۱ش.
۳۱. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی فهرست، ج ۱، ص ۴۸، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴ق.
۳۲. ↑ ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۱۲، قم، علمیه..
۳۳. ↑ ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۱۴۱، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق/۱۹۶۱م.
۳۴. ↑ کیدری، مجد، حدائق الحقائق، ج ۲، ص ۱۲۳۲، دهلی، ۱۴۰۴ق.

۲۵. ↑ آقابزرگ تهرانی طبقات اعلام الشیعه قرن ۶، ص ۷۹، به کوشش علینقی منزوی بیروت، ۱۳۹۲/ق ۱۹۷۲.م.
۲۶. ↑ ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۲۵، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱.م.
۲۷. ↑ ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۴۷، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱.م.
۲۸. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۲۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴.ق.
۲۹. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۱۷۲، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴.ق.
۴۰. ↑ آقابزرگ تهرانی طبقات اعلام الشیعه قرن ۶، ص ۷۹، به کوشش علینقی منزوی بیروت، ۱۳۹۲/ق ۱۹۷۲.م.
۴۱. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۷، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲.ش، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱.م.
۴۲. ↑ آزادانی اصفهانی صادق، شاهد صادق، ج ۱، ص ۴۴۶، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز.
۴۳. ↑ محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۶۱، تهران، ۱۳۵۸.ش.
۴۴. ↑ حدیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی تهران علمیه اسلامی، ج ۱، ص ۶۰۴.
۴۵. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۶۳، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۴۶. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۸۰، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۴۷. ↑ حدیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی تهران علمیه اسلامی، ج ۱، ص ۶۰۴.
۴۸. ↑ حمدالله مستوفی نزه‌القلوب، ج ۱، ص ۵۹، به کوشش مجد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶.ش.
۴۹. ↑ شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۹۰، تهران، ۱۳۶۵.ش.
۵۰. ↑ حدیقه‌الشیعه منسوب به مقدس اردبیلی، ج ۱، ص ۶۰۴. تهران علمیه اسلامی.
۵۱. ↑ ابن شهرآشوب مجد، معالم العلماء، ج ۱، ص ۴۷، به کوشش مجد صادق آل بحرالعلوم، نجف، ۱۳۸۰/ق ۱۹۶۱.م.
۵۲. ↑ ابن شهرآشوب مجد، مناقب، ج ۱، ص ۴۷، قم، علمیه.
۵۳. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴.ق.
۵۴. ↑ یاحقی، مجدجعفر و مجد مهدی ناصح، ج ۱، ص ۶۰-۶۱، مقدمه بر روض‌الجنان و روح‌الجنان، مشهد، ۱۳۷۱.ش.
۵۵. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۱۲، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۵۶. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۸۰، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۵۷. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح‌الجنان و روح‌الجنان، ج ۱، ص ۲-۳، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵.ق.
۵۸. ↑ یاحقی، مجدجعفر و مجد مهدی ناصح، ج ۱، ص ۶۲، مقدمه بر روض‌الجنان و روح‌الجنان، مشهد، ۱۳۷۱.ش.
۵۹. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۱۰، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۶۰. ↑ ناصح، مجد مهدی، ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتوح رازی، ص ۳۰۲-۳۰۸، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۱. ↑ ناصح، مجد مهدی، ترجمه آیات تفسیر طبری و ابوالفتوح رازی، ص ۳۱۶، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۲. ↑ یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۵، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۳. ↑ یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۲۹، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۴. ↑ یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۹-۳۳۱، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۵. ↑ یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۳۲، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۶. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح‌الجنان و روح‌الجنان، ج ۱، ص ۱-۲، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵.ق.
۶۷. ↑ یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۳۲۹، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۶۸. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۵۰، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۶۹. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۷۰. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۲۸۰-۲۸۲، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۷۱. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۳۰۰، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۷۲. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲.ش، ۱۴۰۱/ق ۱۹۸۱.م.
۷۳. ↑ ابوالفتوح رازی، حسین، روح‌الجنان و روح‌الجنان، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸، به کوشش ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۵.ق.
۷۴. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۹، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۷۵. ↑ بهار مجد تقی سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۲. تهران ۱۳۵۹.ش.
۷۶. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۲، ص ۹، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۷۷. ↑ بهار مجد تقی سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۲. تهران ۱۳۵۹.ش.
۷۸. ↑ قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۴۶، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه م، ابوالفتوح).
۷۹. ↑ قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۴۹، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه م، ابوالفتوح).
۸۰. ↑ خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۵۸، تهران ۱۳۵۶.ش.
۸۱. ↑ قزوینی، مجد «خاتمه الطبع، ص ۶۴۸-۶۴۹، همراه ج ۵ روح‌الجنان (نک: ه م، ابوالفتوح).
۸۲. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۷۴-۸۰، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۸۳. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۸۶، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۸۴. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۶۸، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۸۵. ↑ حقوقی، عسکر، تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۴، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ش.
۸۶. ↑ بهار مجد تقی سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۳۹۱-۳۹۲. تهران ۱۳۵۹.ش.
۸۷. ↑ محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۷۰، تهران، ۱۳۵۸.ش.
۸۸. ↑ محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر تفسیر گازر، «یا»، تهران، ۱۳۳۷.ش.
۸۹. ↑ یاحقی، مجدجعفر، طبری و ابوالفتوح، ج ۱، ص ۶۲-۶۴، یادنامه طبری، تهران، ۱۳۶۹.ش.
۹۰. ↑ محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر تفسیر گازر، «لح»، تهران، ۱۳۳۷.ش.
۹۱. ↑ قزوینی رازی، عبدالجلیل، نقض، ج ۱، ص ۴۱، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران، ۱۳۵۸.ش.
۹۲. ↑ منتجب‌الدین رازی، علی الفهرست، ج ۱، ص ۴۵، به کوشش عبدالعزیز طباطبائی قم ۱۴۰۴.ق.
۹۳. ↑ مرکزی خطی، ج ۳(۲)، ص ۱۳۳۶.
۹۴. ↑ محدث ارموی جلال‌الدین، مقدمه بر کلمات قصار «بط»، (ه م).
۹۵. ↑ مرکزی خطی، ج ۳(۲)، ص ۱۳۳۶.
۹۶. ↑ کلمات قصار پیغمبر خاتم (ص)، شرح فارسی شهاب‌الاکابر قاضی قضاعی، ج ۱، ص ۳۶۸، به کوشش جلال‌الدین محدث ارموی تهران ۱۳۴۲.ش.
۹۷. ↑ محدث ارموی جلال‌الدین، تعلیقات نقض، ج ۱، ص ۷۰، تهران، ۱۳۵۸.ش.
۹۸. ↑ مجلسی، مجد باقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲، بیروت، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳.م.
۹۹. ↑ دانش‌پژوه، مجد تقی فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات، ج ۱، ص ۲۱۰، تهران، ۱۳۳۹.ش.



۱۰۰. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۹، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
۱۰۱. ↑ ملک، جان تاریخ ایران، ج ۱، ص ۳۶۹-۳۷۲، ترجمه حیرت، بمبئی، ۱۸۸۶م.
۱۰۲. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
۱۰۳. ↑ منزوی خطی، ج ۲(۱)، ص ۹۵۰.
۱۰۴. ↑ آستان قدس، فهرست، ج ۴، ص ۱۵۴.
۱۰۵. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۱۵۸-۱۵۹، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.
۱۰۶. ↑ افندی اصفهانی عبدالله، ریاض‌العلماء، ج ۲، ص ۲۷-۷۰، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۳۶۲ش، ۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م.

## منبع

دانشنامه بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، برگرفته از مقاله «ابوالفتح رازی»، ج ۶، ص ۲۴۴۲. سایت اندیشه قم

رده‌های این صفحه : [ابوالفتوح رازی](#) | [تراجم](#) | [تراجم](#) | [علمای شیعه](#) | [علمای قرن ششم](#) | [مفسرین](#)